

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال چهارم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۰ - شماره پیاپی ۱۴

تاملی در سطح فکری شعر کودک و نوجوان

(ص ۱۷۱ - ۱۵۵)

طاهره سیدرضایی (نویسنده مسئول)^۱، طاهره حسنی^۲
تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۳/۱۹
تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۵/۸

چکیده:

خداوند یکی از مضامین و موضوعات اصلی شعر کودک و نوجوان در کشور ماست. از آنجا که مخاطب این اشعار، امکانات و تجربه‌های ذهنی کمتری برای درک مفاهیم انتزاعی دارد باید با ابزار مختلف این مفاهیم را برای او عینی و ملموس کرد. بررسی صفات و خطابها و نعمتها و دعاهایی که در شعر کودکان وجود دارد نشان میدهد که شاعران کودک از طبیعت به عنوان ابزاری برای توصیف خداوند و شناساندن او به کودکان و نوجوان استفاده کرده اند. آسمان با متعلقاتش باران، ابر، ستاره، خورشید و ماه و مجموعه زمین با کوه و دشت و دریا و گلها و گیاهان موجود در آن و مجموعه حیوانات و غالباً حیوانات اهلی بویژه پرندگان و بطور خاص پروانه و بلبل و کبوتر هسته اصلی تصاویری هستند که شاعران کودک خلق کرده اند. در شعر کودک، خدا در جزئی‌ترین پدیده‌های طبیعت حضور دارد و با تمام اجزا و عناصر آن گره خورده است. خدا در شعر کودک با نگاه وحدت وجودی که میراث عرفان است، نگریسته شده است.

کلمات کلیدی:

خدا، شعر، کودک و نوجوان، طبیعت.

۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، sepidehrezayi@yahoo.com

۲ - عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، www.SID.ir

مقدمه

شعر فارسی با قدمت هزار ساله‌اش در حوزه شعر کودک و نوجوان هنوز نوظاست. عمر آن هم به زحمت به هفتاد سال میرسد. اوایل دهه بیست را میتوان آغاز شعر کودک در ایران دانست. این به آن معنا نیست که قبل از این تاریخ کودکان شعر نمیخوانده و از شعر محروم بوده‌اند. برعکس کودکان آن روزها شاید بیش از زمان ما با شعر مانوس بودند. لالایی‌های مادران اولین زمزمه‌های شاعرانه‌ای بود که شعر را در جان و روح نوباوگان مینشانند. پس از ورود به جامعه هم کودکان با گنجینه عظیمی از فرهنگ شفاهی عامه روبرو میشدند که غالباً منظوم و از جوهره شعر برخوردار بود. اشعار، آوازاها، تعزیه‌ها، مناجات‌ها، شاهنامه خوانیها و... در مناسبت‌های مختلف از قبیل عروسی، عزا، نوروز، ایام ماه محرم، ماه رمضان و... در بین مردم رایج بود. بسیاری از مفاهیم اخلاقی و مذهبی هم با همین زبان شعر، سینه به سینه به کودکان و نسل بعد منتقل میشد. گذشته از این، کودکانی که بخت آن را داشتند تا در مکتب‌های درس حضور یابند علاوه بر اینکه قرآن کریم، گلستان سعدی، کلیله و دمنه و... می‌آموختند، شاهنامه و شعر سعدی و حافظ و مثنوی و... را نیز مطالعه و چه بسا حفظ میکردند. بدین ترتیب کودکان و نوجوانان در گذشته با شعر مانوس بودند اما شعری که میخواندند شعر کودک نبود. همزمان با انقلاب مشروطه و تغییراتی که در عرصه ادبیات پدید آمد اندک اندک ادبیات کودکان نیز مورد توجه قرار گرفت. «در تاریخ هزار ساله شعر فارسی اشعاری را میتوان یافت که خطاب به کودکان و نوجوانان و برای استفاده ایشان سروده شده اند اما جریان عمومی و مستقل شعر کودک در سالهای پس از مشروطه در ایران شکل گرفت.» (تاریخ ادبیات دینی کودک و نوجوان، کاشفی خوانساری: ۱۳۵)

نخستین شاعرانی هم که برای کودکان شعر گفتند شاعر کودک نبودند بلکه شاعران بزرگسالی بودند که از سر تفنن یا از سر احساس مسولیت و ضرورت اشعاری هم برای کودکان سرودند.

«بسیاری از شاعران معروف دوره مشروطه و بعد از آن از جمله بهار، ایرج میرزا، عشقی و نسیم شمال کودکان را نیز فراموش نکردند. البته از نظر مفهوم فنی کلمه، این شعرها را تا آنجا میتوان شعر کودک نامید که مخاطب آنها کودکان هستند. اما از یک جهت مهم هنوز با شعر کودک به مفهوم امروز کلمه فاصله دارند. این اشعار هنوز به اندازه کافی به عالم کودکی و توجه داشتن به خصیصه‌های ادراکی و عاطفی ذهن کودک نزدیک نشده‌اند.» (بنیادهای ادبیات کودک، پولادی: ۹۹) از دیگر اشعار شاعران بزرگسال که رد پای از شعر کودک در آنها دیده میشود، میتوان شعر «پریا» و «بارون» احمد شاملو و «به مادرش

گفت علی روزی» فروغ فرخزاد را نام برد. قیصر امین پور از دیگر شاعرانی است که اشعاری هم برای کودکان دارد. «به قول پرستو» و «مثل چشمه، مثل رود» دو مجموعه شعر کودک اوست. اما شعر کودک به مفهوم اصطلاحی و دقیق آن به عنوان یک نوع ادبی یعنی شعری که به عالم خاص کودکی نیز توجه دارد و به خصوصیات ویژه ذهن کودک نظری دارد با کارهای «جبار باغچه بان» و «عباس یمینی شریف» شروع شد. (همان: ۲۹۱)

«پروین دولت آبادی» و «محمود کیانوش» از دیگر پیشگامان شعر کودک بوده‌اند. محمود کیانوش از نظریه پردازان شعر کودک است که ادبیات امروز کودک ایران بر مبنای دیدگاههای او استوار شده و هنوز هم غالب کسانی که در حوزه ادبیات کودک تحقیق میکنند به نحوی به دیدگاههای او استناد میکنند. امروزه شعر کودک حوزه مستقلی است که تئوری و مبانی نظری و علمی خود را یافته و شاعران برجسته‌ای را در دامان خود پرورده است.

تعریف شعر کودک

بدست دادن تعریف کاملی از شعر دشوار است وقتی قید کودک را هم به آن می‌افزاییم کار دشوارتر می‌گردد. از بین تعاریف مختلف که محققان برای شعر کودک ارائه کرده‌اند به نظر این تعریف کاملترست: «شعر کودک سخنی است آهنگین که با تکیه بر وجوه صوتی و موسیقایی کلمات و بهره‌گیری از وزن و قافیه و تکیه بر سادگی و زیبایی مضمون و معطوف به عنصر تخیل به ذوق زیبایی شناسی و موسیقایی کودک و غریزه بازی او پاسخ میدهد. البته اشاره به آهنگین بودن به این مفهوم نیست که شعر کودک حتما شعری است متکی به وزن و قافیه به مفهوم قدیمی آن. ریتم و آهنگ با استفاده از شگردهای مختلفی ایجاد میشود که وزن و قافیه یکی از اسباب آن است.» (همان: ۲۸۷)

دامنه موضوعات شعر کودک بسیار گسترده و متنوع است. هر چیزی از مفاهیم انتزاعی و عاطفی گرفته تا طبیعت و جامعه و مناسبات انسانی و محیط و اشیا پیرامون و طبیعت بیجان و... میتواند موضوع شعر کودک قرار گیرد. علاوه بر اینها شعر کودک به عنوان ابزاری برای تعلیم و تربیت و آموزش بکار میرود. از دیر باز نقش آموزشی و تربیتی برای شعر قائل بودند. این نقش تربیتی شعر بویژه برای کودکان و نوجوانان مورد تاکید بود. هنوز هم بر خلاف نظر کسانی که شعر را تنها هنر زیبا به حساب می‌آورند و بر خلاف نظر طرفداران مکاتبی چون مکتب هنر برای هنر و... نقش تعلیمی شعر کودک محفوظ و مورد تایید است. شعر کودک در کنار کارکردهای دیگرش و شاید مقدم بر سایر کارکردها از

قبیل تفریح و سرگرمی و ایجاد لذت، در پی تحکیم و تایید بنیادهای اخلاقی و فرهنگی جامعه است. " طفل باید با تمام وجودش با عقل و قلبش نیکی و انسانیت و وارستگی را درک کند و فضیلت آن را بر خودخواهی و خشونت و نژاد پرستی باز شناسد. شعر نه فقط باید شادی کودکان را منعکس سازد بلکه باید رنگ اجتماعی داشته باشد و احساس وظیفه شهروندی طفل را تقویت کند. (پژوهشی در شعر کودک، علی پور: ۳۷)

در واقع شعر کودک یکی از ابزارهای انتقال فرهنگ به نسل بعد است. بنابراین نمیتواند خالی از پیام و اندیشه باشد. «این ادبیات برای کودکان به وجود می‌آید چون خوانندگان این آثار در سنین رشد فکری و عاطفی هستند خالق اثر بخصوص وظیفه دارد با پیام خود به رشد همه جانبه کودک و نوجوان کمک کند.» (ادبیات کودکان و نوجوانان با هویت فرهنگی، سلطان القرایی: ۳۴)

«در ادبیات کودک تقریباً این همفکری وجود دارد که در کتاب کودک باید چیزی برای گفتن و چیزی برای آموختن وجود داشته باشد. در حیطه ادبیات کودک بسیاری پذیرفته‌اند که آثار ادبی از ارزشها، عقاید و آرمانهای خاصی منطبق با ملاحظات فرهنگ پذیری و اجتماعی شدن کودک باید دفاع کند.» (همان: ۳۱ و ۳۲)

وقتی نقش تعلیمی برای شعر کودک قائل میشویم باید مقدمه آن را که ایجاد ارتباط است بپذیریم. بدون ایجاد ارتباط نمیتوان انتظار داشت که تعلیمی صورت گیرد. پس باید شعر کودک مقتضای حال مخاطب را در نظر داشته باشد و به توان ذهنی و ادراکی او توجه نماید.

«هدف ادبیات کودک ایجاد ارتباط با کودک است. بر خلاف ادبیات که در معنای خود که گاه ادعا میشود بدون توجه به مخاطب خلق میگردد، ادبیات کودک لزوماً مقید به مخاطب است.» (معصومیت و تجربه، خسرو نژاد: ۴۱)

البته جنبه تعلیمی و تربیتی شعر کودک معطوف به فرستنده پیام یعنی شاعر است که در اینجا نماینده ارزشهای جامعه بزرگسال است و هدف دو طرف این ارتباط یعنی شاعر و کودک بر هم منطبق نیست. شاعر میخواهد با زبان شعر چیزی را بیاموزاند یا تایید کند و کودک شعر را میخواند اما نه برای این که چیزی بیاموزد کودک شعر میخواند چون شعر خواندن برای او لذتبخش است. «کودکان و نوجوانان با هیچیک از این هدفها کاری ندارند همانطور که هیچ هدفی از بازی ندارند جز از لذت بردن از بازی و نفس بازی. شعر را هم برای این میخوانند که لذت ببرند چون ذاتاً به شعر علاقه دارند و از آن خوششان می‌آید همانگونه که به بازی علاقه دارند و از آن خوششان می‌آید.» (وقتی سایه‌ها سنگ

یکی از اهداف ادبیات کودک که بعد از انقلاب اسلامی در ایران عمیقا مورد توجه قرار گرفت بیان مسائل دینی و مذهبی است که درصد بالایی از این اشعار را به خود اختصاص داده است. «تفکر و اندیشه در جهت اعتقاد به باورهای ایدئولوژیک و بویژه مذهب یکی از محورهای اساسی در شکل گیری اندیشه خاص در شعر کودک و نوجوان در کشور ماست.» (از این باغ شرقی، سلاجقه: ۳۲۱)

از آنجا که مفاهیم مذهبی بطور وسیع در شعر کودک مجال ظهور یافته‌اند امکان بررسی همه مقوله‌های آن یکجا امکان پذیر نیست. این مقاله در نظر دارد اختصاصا به بررسی موضوع خدا در شعر کودک و نوجوان بپردازد. در جستجوهای که نگارنده برای یافتن منابع انجام داد سه کتاب مرتبط با این موضوع به دست آورد ۱- کتاب تاریخ ادبیات دینی کودک تالیف علی کاشفی خوانساری که تاریخ ادبیات دینی را از آغاز ادب فارسی تا زمان ما بررسی کرده است. ۲- کتابی است با عنوان «و خدایی که همین نزدیکی است» تالیف مریم سقلاطونی که مجموعه اشعار شاعران کودک درباره خداست. ۳- کتاب «پنجره های آسمان» که شامل هفتاد و دو شعر درباره خداست و همه اشعاری که در این مقاله به عنوان شاهد آمده بر گرفته از این کتاب است. جز آنچه ذکر شد تاکنون اثر مستقلی اعم از کتاب و مقاله با این موضوع به دست نیامده است.

در بررسی شعر کودک و نوجوان چند محور اساسی وجود دارد بعبارت دیگر غالب مضامین شعر کودک درباره موضوع خدا را در دسته بندی زیر میتوان جای داد.

۱- معرفی خدا به کودک و نوجوان

خداجویی و میل به پرستش در نهاد کودک و نوجوان هست انسان بطور طبیعی شدیداً در این دوره متمایل به خداست. «در این دوره انسان به مساله آفرینش و خداوند و مسائل دینی علاقه شدیدی پیدا میکند. چون بطور فطری و غریزی حس میکند که تنها دستاویزش خداوند است. و فقط با توسل به خداست که میتواند برای وجود خود معنایی در خور بیابد.» (وقتی سایه‌ها سنگ میشوند، ابراهیمی: ۱۱)

با در نظر گرفتن چنین زمینه‌ای در کودکان بحث دیگری مطرح میشود که چگونه میتوان مباحث دینی از قبیل خدا و معاد و... را به او آموخت. چگونگی طرح و بیان مفاهیم انتزاعی یکی از مباحث مهم و در خور توجه تعلیم و تربیت کودکان است. بسیار مهم است که این مفاهیم طوری برای کودک توصیف و معرفی گردد که اولاً برای او قابل درک باشد و از طرفی آن مفهوم انتزاعی لطمه نبیند و تحریف نشود.

در هر صورت باید پذیرفت مخاطبان شعر کودک به لحاظ تجربه‌ها و دانش ذهنی دیرتر از بزرگسالان می‌توانند مفاهیم انتزاعی را درک کنند و ضرورت دارد طرح این مفاهیم متناسب با زبان و ذهن آنان باشد. وقتی ما شاخه‌ای از ادبیات را به نام ادبیات کودک نامگذاری میکنیم پیشاپیش محدودیت پیش‌آگاهیهای ذهنی و تجربی را در نظر گرفته‌ایم.

بخش مهمی از شعر کودک سعی دارد خداوند را به کودک بشناساند و برای این شناخت تصویری از او ترسیم میکند تا کودک بر اساس آن ذهنیتی از خداوند بدست آورد. درباره اینکه از چه سنی و چطور باید کودکان را با این مفاهیم آشنا کرد بحثهای زیادی صورت گرفته است. «پیاژه عملیات انتزاعی را بالاترین مرتبه رشد شناختی که از حدود دوازده سالگی آغاز میشود و تا بزرگسالی ادامه می‌یابد قرار میدهد. در حالی که مطالعات میدانی بسیاری نشان میدهد که کودکان مرحله پیش‌عملیاتی میتوانند از آموزش نگهداری ذهنی و سایر آموزشهای مربوط به عملیات عینی بهره‌گیرند. میتوان گفت کودک از سه سالگی توانایی درک مفاهیم انتزاعی را دارد. کودکان پیش‌دبستانی اگر چه ممکن است از درک زبان انتزاعی ناتوان باشند مفاهیم انتزاعی را در فرایندی چون بازی و تصویر بخوبی درک میکنند. کودک مفاهیم انتزاعی را درک میکند و علت آن وجود دانش نهفته کودک است اگر چه کودکان توانایی توضیح مفاهیم انتزاعی را ندارند دارای دانش نهفته‌ای درباره این مفاهیم هستند.» (چگونگی طرح مفاهیم انتزاعی در ادبیات کودک، حاجی نصر الله: ۲۷)

موضوع خداوند حساسترین و مهمترین مفهومی است که باید به کودک آموزش داد و سوالهای ذهنی او را درباره آن پاسخ گفت. در این مقاله ما اشعاری را که موضوع آنها خدا است و در کتاب «پنجره‌های آسمان» گردآوری شده است، بررسی کرده ایم. تنها معیار ما در این بررسی اشتراک موضوع است و ملاک دیگری در نظر نداشته ایم. بنابراین طبیعی است که شواهد به لحاظ کیفیت و جوهر شعری در یک سطح نبوده و فراز و فرود داشته باشد. ابتدا صفاتی که برای خداوند آمده و خطابهایی که شاعران با آن خداوند را مورد خطاب قرار داده‌اند و تصاویر و تشبیهاتی را که به کمک آنها سعی کرده‌اند خدا را به مخاطبان خود معرفی کنند استخراج کرده ایم، سپس به تحلیل آنها پرداخته ایم. با این بررسی میخواهیم ببینیم خدا چگونه و با چه صفاتی و در چه هیاتی برای کودکان ترسیم شده است و آیا این تصویر برای کودک قابل درک است؟

۱-۱- ترکیبات وصفی و اضافی

در اشعار مورد مطالعه، معمولاً نام خداوند را تنها نمی‌آورند و برای خطاب خداوند چه به صورت مخاطب حاضر و چه به صورت غایب از ترکیبات وصفی و اضافی استفاده می‌شود.

البته تعداد ترکیبات اضافی بیش از ترکیبات وصفی است. در کتاب پنجره های آسمان مجموعاً ترکیبات زیر با نام خدا ساخته شده است. ۱- خداوند رنگین کمان ۲- خداوند بخشنده مهربان ۳- خداوند زیبایی و عطر و رنگ ۴- خداوند پروانه های قشنگ ۵- خداوند باران و نقل تگرگ ۶- خداوند نَفَسهای برگ و طپشهای برگ ۷- خدایی که از بوی گل بهتر است ۸- خدایی که از نور باران صمیمیتر است ۹- خدای صمیمی ۱۰- خدای سلام ۱۱- خدای غزل ۱۲- خدای قصه ناتمام ۱۳- خدای ستاره های قشنگ ۱۴- خدای جهان رنگارنگ ۱۵- خدای بی نیاز من ۱۶- خدای مهربان (۷ بار)، ۱۷- خدای غنچه های رنگ رنگ ۱۸- خدای شاپرکهای قشنگ ۱۹- ای خدای ذره و گرد و غبار ۲۰- ای خدای سینه خشک کویر ۲۱- ای خدای آفتاب داغ دشت ۲۲- ای خدای ریگهای خشک پیر ۲۳- ای خدای غصه های خیس ابر ۲۴- ای خدای قطره های زمزمه ۲۵- ای خداوند نیایشهای باد ۲۶- ای خدای لحظه های همهمه ۲۷- ای خدای ماهی و مرجان و موج ۲۸- ای خدای چشم پر اشک نهنگ ۲۹- ای خدای ساحل خاکستری ۳۰- ای خدای قلب صخره قلب سنگ ۳۱- ای خدای چشمهای منتظر ۳۲- خدای پاک و بزرگ ، ۳۳- خدای بی همتا (۲ بار) ۳۴- خداوند آسمان و زمین ۳۵- خداوند دره و دریا ۳۶- خداوند قادر و دانا ۳۷- ای خدای دشتهای دور دست ۳۸- ای خدای آسمانهای بلند ۳۹- امید محرومان ۴۰- خدای بزرگ ۴۱- خدای خوب (۲) ۴۲- خدای نور و تاریکی ۴۳- خدای همیشه (۲) ۴۴- خدای خورشید ۴۵- خدای ماه ۴۶- خدای چشمه ۴۷- خدای چاه ۴۸- خدای باران ۴۹- خدای ابر ۵۰- خدای آهو ۵۱- خدای ببر ۵۲- خدای رود ۵۳- خدای دریا ۵۴- خدای جنگل ۵۵- خدای صحرا ۵۶- خدای پیدا ۵۷- خدای پنهان ۵۸- خدای هستی ۵۹- خدای انسان ۶۰- خدای من ۶۱- ای سلام دوباره ۶۲- ای صدای همیشه ۶۳- ای خداوند توانا ۶۴- خدای مهربان گل ۶۵- خدای خوب و آشنا ۶۶- خدای چشمه و چمن ۶۷- خدای سبزه زارها ۶۸- خدای خوب و مهربان ۶۹- خدای چشمه و سنگ ۷۰- خدای شادی و غم ۷۱- خدای آرزوها ۷۲- خدای هر دل تنگ ۷۳- خالق یکتا ۷۴- خدای قناری ۷۵- خدای کلاغ، ۷۶- سر آغاز نور ۷۷- سرانجام دنیا ۷۸- شروع حرفها .

از مجموع این هشتاد ترکیب بیش از چهل و پنج ترکیب با یکی از مظاهر طبیعت ساخته شده است که نشان توجه شاعران کودک به طبیعت است. در واقع، طبیعت یکی از راههای خدانشناسی است. شاعران کودک بدرستی دریافته اند که برای مخاطب کودک باید از مصادیق ملموس و عینی سخن گفت بنابراین مصادیقی که به عنوان مصداق طبیعت در نظر گرفته اند بسیار متنوع و غالباً قابل لمس است . چیزهایی که کودک دیده و معمولاً

برای او جالب است. از جاندارانی چون پرنده و پروانه و آهو گرفته تا جنگل و دشت و دریا و رود و چشمه و... در واقع در شعر کودک خداوند به اعتبار نعمتها و مخلوقاتش شناخته میشود و بواسطه آنها هم توصیف میگردد. شاعران برای نزدیک شدن به ذهن کودک به طبیعت نزدیک شده‌اند چون میدانند نزدیکی به طبیعت مساوی است با نزدیکی به ذهن کودک و دنیای پاک کودکی.

صفاتی هم که برای خداوند انتخاب کرده اند، صفات جمالی است. صفاتی که با روحیه لطیف و طبیعت مهربان کودکان مناسبت دارد. صفاتی چون بخشنده، مهربان، خوب و... خدای مهربان با هفت بار تکرار بالاترین بسامد را دارد. و از صفات جلالی خداوند از قبیل قهار و جبار و... سخنی به میان نیامده است. تنها در شعر «پیش از اینها» قیصر امین پور میگوید از خداوند تصویری اشتباه داشته است که خاطرش را دلگیر میکرده تصویری خشن و تهی از مهربانی: پیش از اینها خاطر م دلگیر بود/ از خدا در ذهنم این تصویر بود/ آن خدا بیرحم بود و خشمگین/ خانه اش در آسمان دور از زمین/ در دل او دوستی جایی نداشت/ مهربانی هیچ معنایی نداشت. (پنجره های آسمان، بابک نیک طلب، ۱۲)

او از خدا میترسید:

نیت من در نماز و در دعا / ترس بود و وحشت از خشم خدا
تا اینکه متوجه اشتباه خود میشود و در می‌یابد که خدا مهربان است: (همان)
میتوانم بعد از این با این خدا / دوست باشم دوست پاک و بی‌ریا / می‌توان با او صمیمی
حرف زد/ مثل یاران قدیمی حرف زد. (همان: ۱۴)

۱-۲- تشبیهات:

یکی از تشبیهات پر کاربرد در شعر کودکان تشبیه تفضیل است. شاعر برای این که تشبیهش بیشتر برای کودک قابل درک باشد ابتدا یک مشبه به که برای کودک شناخته شده است انتخاب میکند و سپس خداوند را بر آن تفضیل میدهد در تشبیهات زیر شاعر قصد دارد مهربانی خداوند را بیان کند ابتدا چند مصداق برای مهربانی در نظر میگیرد مثل آب، خورشید، گل و... و سپس خداوند را بر آن ترجیح میدهد.

خدایی که از بوی گل بهتر است و از نور باران صمیمی تر است، مهربانتر از آبی با تمام ماهیها، مهربانتر از گلها با دو بال پروانه، مهربانتر از ابری با گیاه با دانه، مهربانتر از خورشید با گل و زمین هستی. افسانه شعبان نژاد (همان: ۴۴)

سایر تشبیهاتی که برای خداوند بکار رفته‌اند عبارتند از:

رودی از ستاره، آیشار نور، راه بی نهایت، نقشه عبور، جواب جوانه، امید کلاغ در آسمان تیره، هزار چلچراغ، موج دریا، کویر، کوه و صحرا، گلی خوشرنگ و زیبا، صدای

آبشار ، رسیدن پرستو ، خود بهار ، دو بال شاپرک ، گل شکفته ، دعای صبح ، ترانه شاد به نوک پرنده ها ، پرنده ای به روی شانه ، دانش دانه در خاک ، رویش سبز گلها ، شروع اقاقی ، سرآغاز باران ، قبله آبی آب ، سلام دوباره ، آفتاب روشن .

چنان که ملاحظه میشود در تشبیهات نیز طبیعت مشبهه‌های بسیاری در اختیار شاعران کودک قرار داده است. مشبهه‌ها تصویری شاد و مهربان و شاعرانه از خداوند در برابر چشم کودک ترسیم میکند. اما گاه وجه شبه پیچیده و انتزاعی است و درک آن از قدرت ذهنی کودک و نوجوان خارج میشود مثلاً تشبیه خداوند به «قبله آبی آب» ، «دانش دانه در خاک» و «رسیدن پرستو» به نظر برای کودک و حتی نوجوان چندان ملموس نیست.

۲- برشمردن نعمتها

یکی دیگر از مضامینی که در شعر کودک نقش محوری دارد بیان نعمتها و برشمردن آفریده‌های خداوند است که خود راهی برای خداشناسی است. از آنجا که با برهان و استدلال و روشهای نقلی دشوار است مفهوم خدا را به کودک آموخت. یاد آوری کردن نشانه و آیات الهی راهی برای شناساندن اوست. در شعر کودک و نوجوان معمولاً از نعمتهای زیر سخن رفته است:

۲-۱- طبیعت با تمام اجزا و زیباییهایش نعمت الهی است در شعر کودک بیش از همه به طبیعت و زیباییهای آن توجه شده است. اصولاً در نظر بزرگسالان نعمت چیزی است که نفعی داشته باشد. ما کمتر به زیبایی محض بعنوان نعمت توجه میکنیم اما از نظر کودک که هنوز مصلحت اندیشی و منفعت طلبی او را مشغول خود نساخته و فطرت پاکش زنگار نگرفته است. زیبایی طبیعت فی نفسه نعمت خداوند است و چندان مفید بودن و ... برایش اهمیت ندارد در شعر کودک ،جهان آفرینش شعر زیبایی است که خداوند آن را سروده است :

مست موسیقی صدای تویم / گوش هستی پر از ترانه توست / هر چه زیبایی و فریبایی است / اثر طبع شاعرانه توست . تقی متقی (همان: ۶۱)

از تک تک اجزای هستی و از تمام تار و پود آن از صدای وزش باد تا آواز بلبل موسیقی دلکش و پند آموز خداوند را میتوان شنید :

باد را سرودی کرد / برگ را سرودی کرد / شعر جویباران را / جمع کرد و رودی کرد /
آسمان دنیا را / توی چشم دریا ریخت / یا خلاصه آن را / توی حوض زیبا ریخت / عطر را

صدای گل راز آشنای گل / بهترین غزلها را ریخت در نوک بلبل. محمود پور وهاب
(همان: ۳۰)

هر چیز این دنیای زیبا / شعر خداوند بزرگ است / شعری که هر مصراع و بیتش / مانند
یک پند بزرگ است. جعفر ابراهیمی (همان: ۲۳)

در جای دیگر شاعر هستی را کتاب و نقاشی خدا دانسته است :
خدایا آفتاب و آب از توست / ستاره آسمان مهتاب از توست / تو دشت بیکران را آفریدی /
در آن نقاشی دنیا کشیدی / تو شعر مهربانی را سرودی / کتاب آفرینش را گشودی. حمید هنر
جو (همان: ۲۲)

آسمان ، خورشید ، کوه و دشت و درخت و گل و متعلقاتشان بارها به عنوان نعمت
الهی شمرده شده‌اند: رعد و برق و کوه و دشت / آسمان و ابر و آب / سبزه و گیاه و گل / نور و
باد و آفتاب / میخورد به چشم تو / هر که هر چه هر کجاست / آفریدگار آن / مهربان خدای
ماست. مصطفی رحماندوست (همان: ۳۷)

ای خداوند توانا که جهان را آفریدی / رودها و دشته‌ها را / آسمان را آفریدی. علی اصغر
نصرتی (همان: ۶۹)

حتی پدیده‌هایی که دست ساخته انسان و سایر موجودات هست هم به خدا نسبت داده
شده است از قبیل بازی و لانه پرندگان و . . .

ای که ناهید را تو آوردی / ماه و خورشید را تو آوردی / این همه کوه و تپه و دریا / این
درختان پر گل و زیبا / بال زیبا برای پروانه / از برای پرندگان لانه / شادی و بازی و توانایی /
چشم ما را برای بینایی / برف و باران و گرمی و سردی / همه را ای خدا تو آوردی. موسوی
گرمارودی (همان: ۲۰)

تو به ابر شکل دادی / تو به چشمه آب دادی / تو به درخت سایه و گل / تو به چشم خواب دادی .
داوود لطف الله (همان: ۶۰)

شب و روز هم آنچنان که خداوند در قرآن کریم اشاره کرده از آیات الهی شمرده شده
است : وجعلنا الليل لباسا و جعل النار معاشا.^۱

همین شاعر این آیه قرآن را چنین بیان کرده است:
خدا در کودکی یار تو / و در بی کسی تکیه‌گاه تو است / خدایی که شبها به تو داده
است / هزاران ستاره و یک دانه ماه / تو در خواب نازی فرو میروی / و او می‌رساند تو را تا پگاه /
خدایی که پروانه‌ها را به گل / و گل را به پروانه‌ها داده است. (همان: ۵۹)

دست کدامین باغبانی / باغ جهان را اینچنین کرد / خورشید را چید و به جایش / صدها هزاران غنچه آورد / فانوس شبها را که آویخت / بر کشتزار آسمانها / میدانم آن دست خدا بود / دست خداوند توانا. جعفر ابراهیمی. همان: ۲۶)

کودکان به حیوانات و بازی با آنها بسیار علاقه دارند بنابراین یکی از موضوعات شعر کودک هستند و کودک آنها را نعمت خدا میداند از میان حیوانات برخی مثل آهو و ماهی و از پرندگان بلبل و شاپرک و کبوتر و . . . بیشتر مورد توجه بوده اند و آواز پرندگان و بالهای زیبای آنها از چیزهایی است که در شعر کودک بارها به آن پرداخته شده است :

خدای مهربان من تویی که / به بلبل یک گلو آواز دادی / به بال خسته و کم طاقت من / تویی که جرات پرواز دادی.

و در ادامه میگوید :

کسی که بال میدهد / به این پرنده ها تویی / کسی که باز میکند / زبان جوجه را تویی. حمید هنرجو(همان: ۷۳)

از تو دارد توان جنبیدن / پر و بال پرندگان قشنگ / مرغ و مرغابی و کبوترها / همه جا گونه گونه رنگارنگ مصطفی رحماندوست (همان: ۳۶)

نعمات خداوند بیکران و نامحدود است اما این که شاعر کودک کدام مخلوق خدا را به عنوان نشانه وجود او و معرف خداوند انتخاب می کند حائز اهمیت است. در شعر کودک از نعمت های زیادی نام برده شده است اما آنچه قابل توجه است حسن انتخاب و دقت نظر و ریز بینی شاعران است. شاعر کودک علاوه بر اینکه آسمان و خورشید و ستاره را می بیند و آن را به عنوان نعمت الهی بر می شمرد از خالهای روی بال شاپرک و پری که بدن گنجشکان را پوشانده و از قدرتی که کرم را به پروانه بدل می کند هم غافل نیست :

به نام خدای بزرگ که پروانه را آفرید / به روی دو تا بال او / خط و خال زیبا کشید / خدایی که با دست او / لب غنچه ها باز شد / نوک زرد بلبل از او / پر از شعر و آواز شد / خدایی که پرواز را به گنجشک آموخته / لباسی هم از جنس پر / برای تنش دوخته. ناصر کشاورز (همان: ۵۳)

همین شاعر در جای دیگر میگوید:

کیست خاتمکار بال شاپرک / شاعر خوش خط و خال شاپرک / آن سر آواز بلبلها کجاست / معدن جادویی گلها کجاست؟! کی به شب فانوس ماه آویخته / توی دریا آب و ماهی ریخته / موی گندمزار را کی شانه کرد / ورد خواند و کرم را پروانه کرد؟ ناصر کشاورز

(همان: ۱۹)

تمام باغها را / پر از پروانه کردی / و گلها را چراغ خانه کردی / به مرغان هوایی / دو چشم باز دادی / به آنان فرصت پرواز دادی / به حیوانات جنگل / تو گفتی شاد باشند / پر از شور و پر از فریاد باشند / به مور و مار حتی / دویدن یاد دادی / شکار و بو کشیدن یاد دادی. تقی متقی (همان: ۸۲)

در شعر کودک از سایه هم به عنوان نعمت الهی نام برده شده است :

تمام سایه های مهربان ظهر از آن اوست. افسانه شعبان نژاد (همان: ۷۷)
آفتاب را بوسید / شور و عشق آتش داد / خاک را نوازش کرد / سایه های دلکش داد. محمود پور وهاب (همان: ۳۰)

در ایجاد تخیل شعری عوامل متعددی دخیلند. زبان، موسیقی، عاطفه و تخیل از مهمترین این عوامل هستند منظور از تصویر مجموعه امکانات هنری است که در شعر مطرح است. در شعر کودک طبیعت همواره سرچشمه تصویر و تخیل بوده است در این بررسی گاه به ابیاتی از این دست برمیخوریم که اشعاری کلیشه و حرفی و خالی از زیباییهای تصویری و تخیل هستند هرچند که از روانی و چاشنی تفکر فلسفی بهره برده‌اند اما به نظر جذابیت لازم را برای کودک ندارند :

جهان آفرین زندگانی دهد / به جان هستی جاودانی دهد / زمان شادی و غم به یکسان دهد / نصیب تو را سخت و آسان دهد. پروین دولت آبادی (همان: ۱۷)

۲-۲- یکی دیگر از نعمتهای خداوند که در شعر کودک به آن توجه شده اعضای بدن انسان و تواناییهای جسمی اوست در این اشعار بویژه بر چشم تاکید شده است :
دو تا تپله داری تو در چشمهایت / دو تا تپله کوچکی که / خدا آفریده برایت / هزاران پرنده ستاره درخت / در آن تپله هاست / که هر یک از آنها / نشان وجود خداست . داوود لطف الله (همان، ۵۸)

شادی و بازی و توانایی / چشم ما را برای بینایی / برف و باران و گرمی و سردی / همه را ای خدا تو آوردی / تویی که داده‌ای به من / زبان و پا و دست و سر. حمید هنرجو (همان: ۷۴)

جسم من قلب من جان و هستی من / اثری روشن از خدایی توست. مصطفی رحماندوست (همان: ۳۶)

۲-۳- یکی دیگر از عطیه‌های خداوند برای کودکان پدر و مادر است در اشعار کودکان پدر و مادر حضور چشمگیری دارند و کودک خدا را به خاطر وجود آنها شکر میکند: تویی که داده ای به من / زبان و پا و دست و سر / دو تا فرشته داده ای به نام مادر و پدر. حمید هنرجو (همان: ۷۴)

خدایی که جوجه به گنجشکها/ و مامان و بابا به تو داده است. داوود لطف الله (همان: ۵۹)
میگزارم روز و شب از دل/ شکر نعمتهای بی پایان/ شکر و صد شکر پدر مادر/ دوستان
مهربان خوب. محمود کیانوش (همان: ۵۷)

۳- دعاها و درخواستها

رابطه انسان با خدا که در قالب نماز ، خواندن قرآن و بویژه دعا تجلی میکند در شعر
کودکان انعکاس گسترده‌ای دارد. در دعاها ی کودکان دیدگاهی عرفانی حاکم است. در
درخواستهایی که در شعر کودکان مطرح میشود خواستها و دعاها ی مادی بسیار اندک است
در مقابل دعاهایی که از خداوند صفای باطن ، پاکی دل ، نورانیت درون و رضایت خداوند و
قرب او را میطلبند بسیار زیاد است.

درخواستهایی که کودکان از خدا دارند را میتوان به چند دسته تقسیم کرد :

۳-۱- دعاهایی که برخاسته از فطرت پاک کودکان است و عرفانی و غیر مادی است. در
غالب این دعاها کودک از خداوند دل پاک و بی زنگار میخواهد. کودک به سبب فطرت پاک
خواهان پاکی است و از دغدغه‌ها و درگیریهای دنیای بزرگسالان بدور است . بی جهت
نیست که غالب افراد دوران کودکی را بهترین دوره زندگی میدانند و آرزوی بازگشت به این
دوره را دارند.

خدایا به ما مهربانی بده / دل ساده و آسمانی بده/ دلی که به عشق تو وا میشود/ پر از
رنگ و بوی دعا میشود.

محمود پور وهاب (پنجره های آسمان ، بابک نیک طلب ، ۱۶)

ای خدا مرا پر از پرنده کن / زنده کن مرا دوباره زنده کن. سید سعید هاشمی (همان: ۲۱)
خداوندا به قلب من سفر کن / مرا اکنون به خود نزدیک تر کن. حمید هنرجو (همان: ۲۲)
از ره لطف و مهربانی خود / تو به من راه راستی بنما/ یاریم کن تو ای خدای بزرگ/ تا
دلیم با تو آشنا گردد/ قلبم از مهر تو شود لبریز / روحم از غیر تو جدا گردد. مصطفی
رحماندوست (همان: ۳۶)

۳-۲- دعاهایی است که کودک برای انسانهای دیگر و برای جامعه دارد. کودک به
سبب فطرت پاکش از ظلم و بدی و خشونت بیزار است و مشاهده چنین پدیده‌هایی او را
بشدت آزرده میسازد حتی پزمرده شدن یک برگ و مرگ یک گنجشک برای کودک فاجعه
است. بنابراین برای طبیعت هم دعا میکند:

شاخه‌های دستهای بچه‌ها / خشک شد در حسرت یک لقمه نان / ای خدا تقسیم کن
لبخند را / در میان بچه‌های این جهان. رودابه حمزه‌ای (همان: ۳۳)

خدا کند جوانه‌ای نمیرد / و در نوکی ترانه‌ای نمیرد / پری برای پر زدن نخشکد / صفای
آشیانه‌ای نمیرد / خدا کند به شهر آرزوها / غریب و بی‌پناه کس نباشد / درختهای مهربان
سرودند / پرنده باشد و قفس نباشد / خدا کند دلی ز ما نرنجد / گل از تماس دستها نرنجد / خدا
که گوش میدهد به هر آه / خدا کند دل خدا نرنجد. محمود پور وهاب (همان: ۳۰)

تفاوت عمده دعاهای کودکان با بزرگسالان در این است که بخش عمده دعاهای
بزرگسالان درخواستهای مادی و حوائج شخصی است مثل سلامتی و ثروت و... اما در
دعاهای کودکان غالباً دعاها عارفانه است و از معرفتی زلال حکایت میکند. معرفتی که ناشی
از پاک‌ی دل و بی‌آلایشی و بی‌غرضی و خلوص است بنابراین کودکان خدا را بهتر از
بزرگسالان میشناسند چون پاک‌تر هستند به قول فرانچسکووی قدیس «خدا آن چیزی
است که کودکان میدانند نه بزرگسالان.» (بررسی تفکر شهودی در کودکان، کریمی: ۱۰)

۴- جایگاه خدا

یکی از سوالاتی که از کودکی در ذهن کودکان وجود دارد و گاه والدین در پاسخ به آن
باز میمانند این است که خدا کجاست؟ در شعر کودک این سوال به انحاء مختلف مطرح
شده است یا سخنانی در شعرهاست که میتواند پاسخ این سوال باشد که خدا کجاست؟
نخستین و معمول‌ترین پاسخی که معمولاً به این پرسش داده میشود و هنوز هم داده
میشود آسمان است. در شعر کودک بارها گفته شده که خدا در آسمان است:

دوست دارم دوست باشم / با خدای مهربان / دستهایم را بگیرم / رو به سوی آسمان. ناصر
کشاورز (پنجره‌های آسمان، بابک نیک طلب، ۵۰)

نام تو را از کوه پرسیدم / او با نگاه با شکوهش سر را به سوی آسمان برد. جعفر
ابراهیمی (همان: ۲۷)

باز با باران دلم پر می‌کشد / سوی دشت و سوی آلاچیق‌ها / میرود تا انتهای آسمان ،
می‌رود تا بی‌نهایت ، تا خدا. بیوک ملکی (همان: ۶۵)

برخی اشعار ، دل افراد به ویژه دل پاکان را جایگاه خدا دانسته اند :

خدا در دل و جان پاکان بود / همانجاست یزدان که ایمان بود. پروین دولت‌آبادی (همان: ۱۷)

و در نهایت شعر کودک با نگاهی وحدت وجودی به خداوند مینگرد و در همه چیز و
همه جا او را می‌بیند :

دیدم ز تو صدها نشانه / در چهره زیبای دنیا / دیدم تو را هر لحظه هر جا / آه ای خداوند توانا.

جعفر ابراهیمی (همان: ۲۴)

هر گوشه دیدم لطف خدا را / من دوست دارم این آیه ها را. افشین علا (همان: ۴۸)
خدایی که با یاد او / دلم میشود مهربان / خدایی که در هر کجاست / زمین، توی دل، آسمان.

ناصر کشاورز (همان: ۵۳)

کودک به سبب نزدیکی با فطرت پاک انسانی به طبیعت نزدیک است و مانند عارف با دیدی اشراقی هستی و طبیعت را می نگرد: "در کنار هوش هندسی - تحلیلی و یا منطقی و فنی هوش دیگری وجود دارد که تنها در دوره کودکی (قبل از ورود به تفکر منطقی) از برجستگی قابل ملاحظه ای برخوردار است و آن هوش فیزیونومی است. این نوع هوش، همان نوع طرز تلقی از پدیده ها و جهان هستی است که در دنیای عرفان و شعر از طریق کشف و شهود و اشراق به آدمی دست می دهد و به تدریج در مراحل بعدی تحول خود از بین می رود و یا بسیار کم رنگ و کم رمق می شود. (بررسی تفکر شهودی در کودکان، کریمی: ۸)

۵- عبادت و ارتباط با خدا

بخشی از اشعار کودک و نوجوان به مساله عبادت و ارتباط با خدا پرداخته است. نماز خواندن و اذان، خواندن قرآن و دعا کردن بیش از سایر اعمال عبادی در شعر کودک منعکس شده است.

به دست باد بسپار / پر چکاوکت را / بخوان به نام باران / اذان کوچکت را. وحید دانا
(پنجره های آسمان، بابک نیک طلب: ۳۴)

من امشب پرم / پرم از نماز از دعا/ پرم از هوای خدا. داوود لطف الله (همان: ۸۱)
گاهی هم صحنه عبادت مناجات پدر یا مادر تصویر شده است: سحر شد لبان پدر/ معطر به هر آیه شد/ در آن اوجها با خدا / پدر باز همسایه شد/ سوی آسمان برد دست نیاز / من و مادرم را کمی دعا کرد بعد از نماز. سید سعید هاشمی (همان: ۷۲)

نتیجه :

کودک به سبب اینکه هنوز از طبیعت اولیه خود دور نشده است عمیقا به طبیعت دل‌بستگی دارد. او هستی را تجلی خدا میداند و در همه چیز او را می‌جوید بنابراین موضوع خدا در شعر کودک عمیقا با طبیعت گره خورده است. کمتر شعری میتوان یافت که از خدا سخن گفته باشد و نشانی از طبیعت در آن نباشد. کودک همچون هنرمندان و عارفان به دنیا و محیط خود به منزله تصویری زنده مینگرد. در شعر کودک نه تنها جهان زنده و پر احساس است بلکه پیوسته در حال تسبیح و تقدیس خداوند نیز هست.

علاوه بر طبیعت‌گرایی رگه‌هایی قوی از عرفان هم در شعر کودکان هست. نوعی نگاه وحدت وجودی که همه چیز را با خدا معنا میکند در شعر کودک دیده میشود. او از هر چیز هر لحظه بوی خدا را حس میکند :

در شعر کودک بر مهربانی و لطف خداوند تاکید شده و سعی شده تا از بیان هیبت و جبروت و جلال خداوند اجتناب شود. در واقع شعر کودک، رابطه کودک را با خدا سهل و ساده نموده است در این شعر رابطه کودک با خداوند رابطه ای عمودی و بنده و سروری و بر مبنای ترس نیست بلکه رابطه ای افقی و دوستانه و عاشقانه است.

با مطالعه شعر کودک می بینیم که چند مجموعه بیشترین کاربرد را در تصویر سازی و ایجاد تخیل در شعر کودک داشته اند. آسمان با مجموعه متعلقاتش از قبیل باران ، ابر ، و ستاره ، خورشید ، ماه ... مجموعه زمین و کوه و دشت و دریا با گلها و گیاهان و درختان موجود در آن ، حیوانات و غالبا حیوانات اهلی بویژه پرندگانی مثل بلبل و کبوتر و بطور خاص پروانه (شاپرک) خوشه‌هایی از تصاویر می‌سازند که بالاترین بسامد را در شعر کودک دارد. اما نکته‌ای که بنظر میرسد شعر کودک اندکی از آن غفلت کرده است شرایط زندگی کودکان امروز است. نگاره هایی که شاعران کودک از خدا ارائه کرده اند و در لابلای آن به توصیف خداوند پرداخته‌اند برای کودک شهرنشین و آپارتمان نشین امروز چندان ملموس نیست او معمولا از تلویزیون و کتابها با این تابلوها آشناست. این توصیفات مناسب کودکان روستا و شهرهایی است که هنوز رابطه خود را با طبیعت قطع نکرده‌اند. کودکان امروز به ویژه در شهرهای بزرگ اوقات خود را صرف تلویزیون و بازیهای رایانه‌ای میکنند و دیگر آنقدر با طبیعت مانوس نیستند تا به اسرار آن بیندیشند. بنظر میرسد شاعران کودک ، امروز باید با زبان و بیان دیگری از خدا برای کودکان سخن بگویند.

فهرست منابع:

- ۱- ابراهیمی ، جعفر (۱۳۸۱) وقتی سایه ها سنگ میشوند، تهران: سوره مهر (حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی)
- ۲- پولادی ، کمال (۱۳۸۴) بنیادهای ادبیات کودک ، تهران : کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- ۳- خسرو نژاد ، مرتضی (۱۳۸۲) معصومیت و تجربه (در آمدی بر فلسفه ادبیات کودک) تهران: نشرمرکز
- ۴- سلاجقه ، پروین (۱۳۸۵) از این باغ شرقی (نظریه های نقد شعر کودک و نوجوان) تهران : کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- ۵- سلطان القرایبی ، صادق (۱۳۸۴) ادبیات کودکان و نوجوانان با هویت فرهنگی (مواد خدمات کتابخانه برای کودکان و نوجوانان) تهران : دردانه
- ۶- سید آبادی ، علی اصغر (۱۳۸۵) عبور از مخاطب شناسی سنتی ، تهران: نشر فرهنگ ها
- ۷- علی پور ، منوچهر ، (۱۳۸۵) پژوهشی در شعر کودک ، تهران: تیرگان
- ۸- کاشفی خوانساری ، سیدعلی (۱۳۸۷) تاریخ ادبیات دینی کودک و نوجوان ، تهران ، حوا
- ۹- نیک طلب، بابک (۱۳۸۲) پنجره های آسمان (هفتاد و دو شعر درباره خدا) تهران : نشر افق

مقالات:

- ۱- حاجی نصر الله ، شکوه ، چگونگی طرح مفاهیم انتزاعی در ادبیات کودک ، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، تابستان ۱۳۸۴
- ۲- کریمی ، عبد العظیم ، بررسی تفکر شهودی در کودکان ، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۱۰ پاییز ۱۳۷۶